np 32

هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش
هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قران کریم

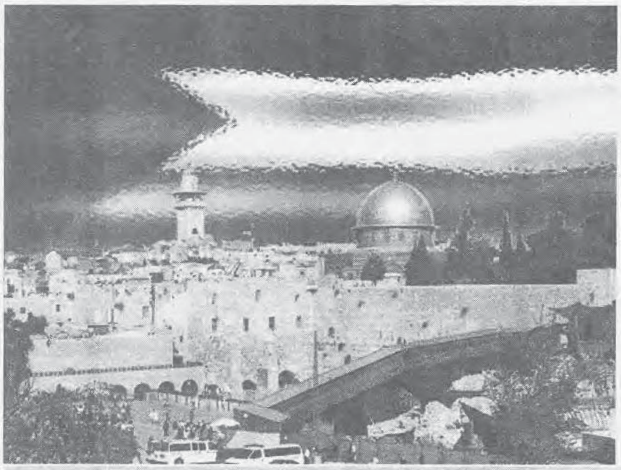
ارکان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ پنجاه و یکم ۲۹ حوت- ۱۳۸۸ – ٤ربیع الثانی ۱٤۳۱ 20 March 2010

مجاهد فرا رسیدن سال نو خورشیدی را به هموطنان عزیز تبریک می گوید

اعلامیهٔ جمعیت اسلامی افغانستان به مناسبت جنایات اخیر اسرائیل در قدس شریف

جهان باید جلو تجاوزها و جنایت های اسرائیل در مسجد الاقصی را بگیرد



بسم الله الرحمن الرحیم

اسرائیل به ادامهٔ جنایاتش در سرزمین فلسطین در این روزها دست به جنایتی دیگر یازیده است.

اسرائیل برای مسخ هویت اسلامی و مسیحی بیت المقدس برخی از آثار و اماکن تاریخی در این شهر به ویژه در ساحت مسجد الاقصی را به حوزهٔ آثار یهودی مزعوم ملحق کرده است، یکی از این اماکن محلی است در زیر قبهٔ مسجد شریف اقصی که اسرائیلیان مدعی اند هیکل موهوم سلیمان علیه السلام در آنجا قرار دارد. اسرائیلیان به این بهانه های واهی می خواهند زمینهٔ تخریب و انهدام مسجد اقصی را فراهم سازند، **ادامه درص۸**

حکومت در مبارزه با فساد درمانده است



نمایندهٔ سابق سازمان ملل در افغانستان:

دستگیری طالبان تماسهای سازمان ملل را متوقف کرد

کای آیده نماینده پیشین سازمان ملل متحد در افغانستان به شدت از دستگیری اخیر رهبران طالبان توسط پاکستان انتقاد کرده است.

آقای اید در مصاحبه با بی بی سی گفته است دستگیری رهبران طالبان توسط پاکستان کانالهای تماس مخفی سازمان ملل متحد با طالبان را بطور کامل بسته است.

آقای آیده برای اولین بار تایید کرد که این تماس های سری با اعضای ارشد طالبان از یک سال پیش شروع شد.

او گفت مذاکرات رو در رویی هم در دبی و چند نقطه دیگر انجام شده است.

وی افزود: "اولین تماس احتمالا بهار گذشته بود که آغاز و سپس در هنگام انتخابات متوقف شد اما پس از انتخابات افزایش یافت و چند هفته پیش به اوج خود رسید."

آقای اید گفت کانالهای مختلف ارتباطی با طالبان وجود داشت که در برخی از آنها نمایندگان ارشد حامد کرزی رئیس جمهور افغانستان نیز شرکت داشتند.

چند روز پیش یکی از مشاوران آقای کرزی نیز از دستگیری رهبران طالبان توسط پاکستان اظهار نارضایتی کرد.

مشاور آقای کرزی که نخواسته نامش فاش شود گفته است ملابرادر با نمایندگان آقای کرزی در رابطه بوده و دستگیری وی ضربهٔ سنگینی به این مذاکرات زده است، وی نیز پاکستان را متهم کرد که هدف از این دستگیری تخریب روند مذاکره با طالبان بوده است.

اما پاکستان این اتهام را رد نموده گفته است پاکستان قصد نداشته است با دستگیری ملابرادر روند مذاکرهٔ دولت افغانستان با طالبان را مختل نماید.

این اولین بار است که سازمان ملل و دولت افغانستان اعتراف می کنند که در سطح بالایی با طالبان مذاکره نموده اند، در گذشته سازمان ملل وقوع چنین مذاکراتی را تکذیب نموده بود.

پیام دفتر مرکزی جمعیت اسلامی افغانستان

به مناسبت فرا رسیدن سال نو خورشیدی

بسم الله الرحمن الرحیم

فرا رسیدن سال نو هجری خورشیدی را به همه هموطنان از تهٔ دل مبارکباد می گوییم و آرزومندیم که سال نو، سال تحقق آرمان های مردم افغانستان و پایان جنگ و خشونت در سرزمین ما باشد.

سال گذشته، سال دشواری بود و در بخش های مختلف با آزمایش ها و امتحان های بزرگی روبرو بودیم... از یکسو جنگ، انفجار و انتحار و عملیات تخریبی، زندگی مردم ما را با خطرات زیاد مواجه ساخته بود و تلفات جانی و خسارات مالی را به دنبال داشت... از سوی دیگر در بخش سیاسی و مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری، با موج گسترده ای از تقلب ها و تخلف ها و بالآخره تشکیل ناقص حکومت جدید و کشیدگی های ناشی از عدم رأی اعتماد به نامزد وزرا و در اصل عدم تشکیل حکومت مشارکت ملی در اثر تفاهم و قناعت مخالفین سیاسی در داخل نظام و رقبای جدی در انتخابات ریاست جمهوری؛ باعث گردید تا مشکل مشروعیت در حکومت، همچنان پایدار بماند و در داخل و خارج به حیثیت و اعتبار حکومت، بیشتر از پیش لطمه وارد نماید.

بلاهای طبیعی چون سرازیر شدن سیل و یا برف کوچ، مصیبت های دیگری بود که در کنار ناامنی و وضع ابتر اقتصادی، دامنگیر برخی از هموطنان ما گردیده بود...

امیدواریم در سال نو، به فضل و احسان خداوند متعال، شاهد آفات و مصیبت های گوناگون نباشیم و در ساحات مختلف امنیتی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی پیشرفت ها و نو آوری هایی داشته باشیم و مردم ما در فضای صلح و آرامش به سر ببرند و به رفاه و آسایش نسبی دست یابند.

ما از تلاش های آشتی و صلح با مخالفین نظام، جانبداری می کنیم، مشروط به اینکه، این تلاش ها با روشنی و صراحت توأم باشد و مردم ما به ویژه نمایندگان مردم در شورای ملی و احزاب مقتدر سیاسی از جریان و چگونگی آن آگاه ساخته شوند و در تفاهم و مشورت کامل با آنان صورت گیرد.

از بارگاه خداوند متعال، سال نو را یک سال پربار و نیکوی برای مردم خود و مردمان منطقه و جهان آرزو می نمائیم.

دارالإنشای جمعیت اسلامی افغانستان

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، عقب سینما بهارستان، کوچهٔ قصابی، دست چپ، کوچهٔ چهارم
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ و ۰۷۰۸۸۲۷۸۹۰
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

سال نو

سال امیدها و بیم ها

از همین اکنون نشانه های دیده می شود که سال ۱۳۸۹، سال پر از حوادث و چالش ها برای افغانستان می باشد. بیم آن می رود سال آینده خشونت در کشور افزایش یابد و جنگ های شدیدی مشتعل گردد.

قرار است در سال آینده، اعزام سی هزار عسکر امریکایی و شماری دیگر سرباز از کشورهای اروپایی به افغانستان به پایهٔ اکمال برسد و فصل جدید و خونین جنگ آغاز گردد، مقام های امریکایی و ناتو و همچنان مقام های سازمان ملل، سال ۱۳۸۹ را خونین ترین سال پیش بینی نموده اند، هم اکنون جنگ در هلمند هزاران غیر نظامی را از خانه های شان بیجا نموده است.

لازم است نیروهای خارجی و همچنان نیروهای مسلح ملی، کمال احتیاط را داشته باشند تا از تلفات غیر نظامیان اجتناب شده و از توسعهٔ دامنهٔ جنگ و ویرانی های ناشی از آن جلوگیری شود.

آن گونه که دولت و جامعهٔ جهانی اعلان نموده، در سال آینده تلاش می شود تا نیروهای مسلح افغانستان تقویت گردد و نهادهای ملی افغانستان صلاحیت های بیشتر در ادارهٔ کشور را به دست آرند، این عمل به سود منافع و مصالح ملی افغانستان بوده، می تواند به پایان قیمومیت خارجی در کشور بینجامد. اما روند ملی شدن باید، تأمین مصالح علیای وطن، خوشبختی و احترام به منافع و حقوق مردم را در پی داشته باشد، باید نیروهای مسلح و نهادهای ملی در جهت احترام به حقوق و آزادی های برحق مردم افغانستان توجه بیشتر انجام دهند.

انتخابات پارلمانی که قرار است در نیمهٔ سال آینده برگزار گردد، آزمون مهم حکومت است. نهادهای مسوول برگزاری این انتخابات باید با درس گیری از رسوایی انتخابات ریاست جمهوری در ۲۹ اسد ۱۳۸۸ و وقوع تقلب های گسترده در آن انتخابات، تلاش موثر و صادقانه انجام دهند تا از وقوع تقلب و قانون شکنی جلوگیری گردد و یک انتخابات آزاد و شفاف و عادلانه برگزار شود. برگزاری چنین انتخابات می تواند باعث تحکیم ثبات کشور و تأمین مشارکت ملی شود، اما تکرار قانون شکنی انتخابات ۲۹ اسد و بی مسوولیتی دولت در این زمینه، می تواند وضعیت شکنند کشور را وخیم تر سازد.



حکومت در مبارزه با فساد درمانده است

مهدی

هفتهٔ گذشته آقای عثمانی مسئول ادارهٔ نظارت بر تطبیق استراتیژی مبارزه با فساد حکومت در یک گفتگو با نمایندگان پارلمان با درماندگی اعتراف کرد که وی صلاحیتی برای مبارزه بافساد ومحاکمه ومجازات مفسدین و رشوه خواران ندارد و کاری در این زمینه نمی تواند انجام دهد.

این اظهارات مسئول ادارهٔ مبارزه بافساد باعث نومیدی مردم افغانستان گردیده است. یکی ازگفتمان های پرطرفدار مبازات انتخاباتی بحث مبارزه با فساد بود که در این بحث ها آقای کرزی وعده داد که این مشکل اجتماعی را ریشه کن خواهد ساخت. همچنان انتقاد مهم خارجیان از حکومت کرزی شیوع گستردهٔ فساد در این حکومت بود. باراک اوباما رئیس جمهور امریکا پس از آغاز دور خبر ریاست جمهوری آقای کرزی، شش ماه مهلت تعیین کرده بود تا فساد را از میان بردارد و یک ادارهٔ سالم بسازد. اکنون که شش ماه نخست حکومت آقای کرزی رو به پایان است نه از تحقق وعدهٔ انتخاباتی خبری است و نه از برآورده شدن ضرب الأجل حامیان بین المللی وی.

این عدم علاقمندی کرزی وحکومت وی درمبارزه با فساد نومیدی مردم را برانگیخته است.

در آغاز کار دور جدید ریاست جمهوری آقای کرزی، سارنوالی ادعا کرد که دوسیه های چند مقام سابق و برحال حکومت را که متهم به فساد واختلاس اند زیر کار دارد وبه زودی آن هارا به دادگاه معرفی می کند. اما پس از گذشت چند ماه اکنون از آن دوسیه ها و متهمان اطلاعی در دست نیست. گویا آن دوسیه ها بسته شده اند و متهمان سند برائت گرفته اند.

در حالی که افغانستان در سال گذشته براساس گزارش ها وپژوهش های بین المللی دومین کشور فاسد دنیا نام گزاری شده بود و امسال ممکن است مقام نخست را در این زمینه بدست آورد، در داخل کشور به اصطلاح آب از آب تکان نمی خورد وگویا دراین ملک نه فسادی است نه فسدی.

از دید کارشناسان عامل عمدهٔ بحران ونابسامانی در کشور، فساد و ناکارگی حکومت کنونی است که باعث نارضایتی مردم، تقویت مخالفان و تشدید بحران گردیده است.

اعلان در ماندگی رئیس ادارهٔ نظارت بر مبارزه با فساد دولت، این یاس را تقویت نمود که دولت آقای کرزی ادارهٔ نیست که بتواند موفقیتی در مبارزه با فساد داشته باشد.
موفقیت در این زمینه نیاز مند یک تحول اساسی در ادارهٔ کشور می باشد که باید دیر یازود چنین تغییری به میان بیاید.

کنون برای کسی پوشیده نیست که حکومت افغانستان غرق در مبارزه بافساد است، عوامل این فساد وحتی راه های جلوگیری از آن نیز برای مردم تا اندازهٔ روشن است. این حکومت افغانستان است که از این امر غافل مانده و یا نمی خواهد موفقیتی در این زمینه داشته باشد.

اگر بخواهیم به عوامل فساد در حکومت فغانستان نگاهی بیندازیم، عوامل درشتی را می توانیم مشاهده کنیم، نبود یک تصمیم وارادهٔ سیاسی برای ریشه کن کردن فساد عامل عمدهٔ ادامهٔ لجام گسیختهٔ این آفت اجتماعی ست، به علت همین نبود اراده، فساد تحمل می شود وازآن چشم پوشی می گردد، مفسدان ویا متهمان به فساد مورد عفو قرار می گیرند وحتی در پست های مهمتری مقرر می شوند.

نبود یک استراتیژی برای مبارزه با فساد عامل دیگر موجودیت وادامهٔ فساد است. تاهنوز هیچ سندی که عوامل فساد را مشخص ساخته وراه کارهای مبارزه با آن را تعیین نماید، از سوی حکومت تدوین نشده ودر اختیار مردم قرار نگرفته است.

ضعف وسوء مدیریت و گروه گرایی رژیم آقای کرزی عامل عمدهٔ دیگر شیوع فساد در کشوراست. این ضعف مدیریت باعث گردیده است مافیای فساد شریان های اصلی قدرت در حکومت را در چنگ خویش بگیرد و آقای کرزی نتواند دست اندرکاران فساد را محاکمه ویا به پنجه قانون بسپارد ویا حتی آن ها را از وظایف شان برکنار سازد. بارها دیده شده است که متهمان به فساد در نهایت از یک پست به پست دیگر اما مهمتر تبدیل شده اند وهیچ گاه به میز محاکمه کشیده نشده اند. آنهایی هم که ظاهرا به جرم فساد برکنار ویامحاکمه شده اند، گناه اصلی شان عدم وفاداری به رئیس جمهوری و عدم برخورداری از حمایت مافیای قدرت بوده است، اما آن های که وفاداری ابراز نموده اند و از حمایت مافیا بهرهٔ داشته اند از چنین پی آمدی در امان بوده اند.

ضعف حکومت وعدم توانمندی ادارات دولت در اجرای قانون عامل دیگر شیوع فساد بوده است که روز تا روز به دامنه های آن افزوده می شود.

اعلان در ماندگی رئیس ادارهٔ نظارت بر مبارزه با فساد دولت، این یاس را تقویت نمود که دولت آقای کرزی ادارهٔ نیست که بتواند موفقیتی در مبارزه با فساد داشته باشد.

موفقیت در این زمینه نیاز مند یک تحول اساسی در ادارهٔ کشور می باشد که باید دیر یازود چنین تغییری به میان بیاید.



نیم نگاهی به سالی که گذشت

وحید مژده

امسال افغانستان شاهد انتخابات ریاست جمهوری نیز بود. معیاد انتخابات به علت مشکلات تخنیکی و شرایط نامساعد اقلیمی به تعویق انداخته شد.

***

کمسیون انتخابات با آن که حامد کرزی آرای لازم را در دست نداشت او را به عنوان رئیس جمهور معرفی کرد. حامد کرزی در ۲۱ عقرب مطابق به ۱۹ نوامبر مراسم تحلیف را به جا آورد.

سال خورشیدی ۱۳۸۸ را پشت سر نهادیم. سال گذشته خونین ترین سال از زمان ورود نیروهای خارجی به افغانستان بود. این سال در جهان نیز سال خشونت ها، بحران اقتصادی، شیوع امراض و حوادث طبیعی و در مجموع سال مصیبت بار برای مردم جهان بود.

در آستانهء حلول نوروز سال پار یعنی در ۲۰ جنوری ۲۰۰۹ باراک اوباما بعنوان چهل وچهارمین رئیس جمهور امریکا سوگند وفاداری یاد کرد. او در مراسم تحلیف دست بر روی انجیلی نهاد که ابراهام لینکلن با آن مراسم تحلیف بجا آورده بود. درتاریخ امریکا مردی از تبار برده گان به ریاست جمهوری بزرگترین قدرت نظامی و اقتصادی جهان رسید.

اوباما قول داده بود تا قوای امریکا را از عراق خارج نموده و به ازدیاد نیرو در افغانستان بپردازد. وی بعد از مدتها رای زنی و مشاورت با مشاورین نظامی خویش، سرانجام استراتژی جدیدی را برای افغانستان برگزید که هنوز هم بخش هائی از آن در پردهء ابهام پنهان است. اما وی تصمیم خود مبنی بر اعزام سی هزار نیروی تازه نفس به افغانستان را اعلام داشت که تاکنون عده ای ازاین نیروها وارد افغانستان شده اند.

در سال گذشته تلاش امریکا و غرب این بود تا وقایع عراق زیاد در صدر اخبار رسانه ها قرار نگیرد. هرچند در عراق جنگ همچنان ادامه دارد اما غرب به تدریج در صدد است تا خود را از جنگ عراق دور سازد و به جنگ در افغانستان توجه نماید.

در اوایل سال گذشتهء هجری خورشیدی با توجه به ناامنی های پاکستان و حمله به کاروان های تدارکاتی ناتو در آن کشور، ناتو تصمیم گرفت تا مسیر جدیدی را برای تدارکات خویش به افغانستان از طریق روسیه جستجو نماید. مذاکراتی که در این رابطه صورت گرفت، به نتیجه رسید و این مسئله موجب حساس شدن مخالفین مسلح دولت و توجه آنان به شمال گردید.

شمال کشور که تا آن زمان تا حدی آرام به نظر می رسید به تدریج دچار ناامنی شد. ناامنی ها در ولایات بغلان و کندزگسترده تر گردید. مشخص بود که طالبان قصد دارند تا در این مناطق جلو کاراون های ناتو را سد سازند. اما اخباری هم بگوش می رسید که هلی کوپتر های ناشناس در این مناطق به پیاده کردن افراد مسلح پرداخته اند. این شایعات وقتی قوت گرفت که شخص رئیس جمهور کرزی آنرا تائید کرد.

در سال گذشته تلفات نیروهای خارجی در جنگ علیه مخالفین مسلح در افغانستان به بالاترین رقم از زمان ورود این نیروها به افغانستان در سال ۲۰۰۱ بالغ گردید. در این سال تعداد تلفات غیرنظامی در اثر عملیات نیروهای خارجی و طالبان نیز به بالاترین حد خود رسید. علی الرغم وعده های مکرر نیروهای خارجی که حد اکثر تلاش خود را در جهت کاهش تلفات غیرنظامیان انجام خواهند داد، طیارات ناتو در عصر چهارهم ثور روستای گرانه در ولسوالی بالابلوک ولایت هلمند را بمباران کردند که در نتیجه بیش از یکصد وچهل تن شامل زنان و کودکان به شهادت رسیدند. خارجی ها مدعی شدند که آنها طالبان را هدف قرار داده اند اما در گزارشی که از طرف کمسیون موظف به رئیس جمهور کرزی داده شد آمده است که تمام یکصد و چهل نفر غیرنظامی بوده اند. این سلسله در طول سال گذشته ادامه یافت و از لغمان و کنر گرفته تا تگاب و مناطق دیگر تکرار شد و این تنها امریکائی ها نبودند که دست به کشتار مردم غیرنظامی زدند، نیروهای آلمانی مستقر در ولایت کندز نیز با بمباران دو تانکر ربوده شده توسط طالبان صدها نفر را از مردم غیرنظامی را کشتند.

امسال افغانستان شاهد انتخابات ریاست جمهوری نیز بود. معیاد انتخابات به علت مشکلات تخنیکی و شرایط نامساعد اقلیمی به تعویق انداخته شد.

در این انتخابات که دهها تن به عنوان کاندید سهم گرفتند، حامدکرزی و داکتر عبدالله عبدالله به عنوان دو رقیب اصلی و جدی در برابر هم ظاهر شدند. این انتخابات با تقلب گسترده همراه بود به حدی که حتی کمسیون سمع شکایات کمسیون انتخابات نیز با تائید تقلب، تعداد زیادی از آرای ریخته شده به صندوق ها را باطل اعلام نمود.

حامد کرزی که مطابق اعلام نتایج ابتدائی ۵۶/۶ درصد آراء را بدست آورده بود، با فیصلهء کمسیون سمع شکایات حایز آرای کمتر از پنجاه درصد شد و انتخابات به دور دوم رفت.

داکر عبدالله عبدالله خواهان آن بود که قبل از انتخابات دوردوم، نخست باید عواملی که موجب تقلب در دور اول شده از میان برداشته شود تا انتخابات دور دوم به سرنوشت دور اول گرفتار نگردد. یکی از این خواست ها برکنارشدن گردانندگان کمسیون انتخابات بود اما این خواست وی مورد قبول حکومت قرار نگرفت و در نتیجه وی از شرکت در دور دوم انتخابات خودداری ورزید. کمسیون انتخابات با آن که حامد کرزی آرای لازم را در دست نداشت او را به عنوان رئیس جمهور معرفی کرد. حامد کرزی در ۲۱ عقرب مطابق به ۱۹ نوامبر مراسم تحلیف را به جا آورد.

حامد کرزی در دورهء کاندیداتوری خود به گروه های مختلف وعدهء وزارت و سفارت و ولایت داده بود و پس از موفقیت باید به وعده های خود وفا می کرد. کابینهء جدید رئیس جمهور با تاخیر به پارلمان معرفی شد اما کسانی افراد معرفی شده که وابسته به گروه های حامی رئیس جمهور در انتخابات بودند از طرف پارلمان رد شدند.

رئیس جمهور کرزی بار دیگر افرادی را به پارلمان معرفی کرد که باز هم عده ای رد شدند. او نیز ناچار شد تا افراد رد شده را بعنوان سرپرست وزارت ها منصوب نماید. مشکلی که تا اخیر سال ۲۰۰۸ ادامه یافت و افغانستان با یک کابینهء ناقص از سال ۱۳۸۹ استقبال کرد.

در سالی که گذشت، حکومت افغانستان تحت فشار فزاینده قرار گرفت تا علیه فساد اداری مبارزه نماید اما این مبارزه در حد شعار باقی ماند و جامعهء جهانی حکومت افغانستان را یکی از فاسد ترین حکومت های جهان دانست. این در حالیست که خارجیان از طرف حکومت افغانستان متهم به فساد بیشتر اند. یک عضو پارلمان ایتالیا در راپوری که پارلمان این کشور ارائه نمود از حیف و میل ملیارد ها دالر کمک جامعهء جهانی توسط خود خارجیان در افغانستان سخن گفت. پولهائی که هیچکس بدرستی نمی داند به کجا رفته است.

سال گذشته شعار های مذاکره با طالبان طنین زیادی در سطح رسانه ها داشت ولی طالبان کماکان مذاکره با حکومت کابل را رد کردند. باراک اوباما در ششم عقرب(۲۸اکتوبر) قانونی را امضاء کرد که فرماندهان نظامی امریکا در افغانستان اجازه می دهد تا به آن اعضای طالبان که از خشونت دست می کشند و به پروسهء صلح می پیوندند، پول تشویقی داده شود. این گونه مشوق های مالی قبلا در عراق بصورت گسترده مورد استفاده قرار گرفته و نتیجه داده است.

امریکا یک ملیارد و سه صد ملیون دالر برای این کار اختصاص داده است که نام این پروگرام اصطلاحا (برنامهء واکنش اضطراری فرماندهان امریکائی در عراق و افغانستان) یا بصورت مخفف P.E.R.P نام دارد که اصلا برای پاکسازی جاده ها از ماین و مواد منفجره و نیز کمک های انسانی اضطراری برای مردم عراق و افغانستان در نظر گرفته شده است.

در اواخر سال گذشته حامدکرزی از تدویر جرگهء مشورتی برای صلح و تفاهم با مخالفین مسلح قرار داد که قرار است در نهم ثور سال روان دایر گردد و در مورد یک راهبرد که مورد اتفاق همه گروهها باشد، تصمیم گرفته شود.

در اواخر سال گذشته، پاکستان در سیاست خویش در قبال افغانستان تغییراتی را وارد آورد. در حالیکه در طول سالهای گذشته پاکستان مدعی بود که هیچکدام از سران طالبان در پاکستان نیستند، ناگهان اعلام شد که ملا برادر دومین چهرهء تصمیم گیرنده در تحریک طالبان افغانستان در پاکستان دستگیر شده است. بعدا مشخص شد که جمع دیگری از سران طالبان از جمله مولوی عبدالکبیر نیز دستگیر گردیده و اکنون در زندان بسر می برد. این اقدام پاکستان پس از آن صورت گرفت که در اوایل سال گذشته سازمان ملل متحد بصورت غیررسمی از پاکستان خواست تا زمینهء نشستی میان سران طالبان و کای آیده نمایندهء خاص سازمان ملل متحد را فراهم آورد. آخرین نشست قبل از کنفرانس لندن صورت گرفت و به نظر می رسد طالبان در جریان این مذاکرات، با موضع گیری مستقل از خواست های پاکستان، موجب نگرانی پاکستان شدند و اکنون پاکستان در صدد است تا عناصر حرف ناشنو در این تحریک را تصفیه نماید. کای آیده که معیاد ماموریتش در افغانستان به پایان رسید، ضمن انتقاد از این تصمیم پاکستان، آنرا تلاشی برای مختل ساختن روند مذاکره و تفاهم با طالبان خواند.

ماموریت افغانستان با گذشت هرروز با اقبال کمتر از طرف مردم در کشور های غربی مواجه میشود و مردم در این کشور ها می خواهند بدانند که این ماموریت تا کی ادامه خواهد یافت و مهمتر اینکه این ماموریت تا کنون چه دست آوردی برای غرب داشته است. تدویر کنفرانس های بین المللی در مورد افغانستان در کنار سایر اهداف، تلاشی است برای دادن جواب به همین پرسش در کشورهای غربی.

در کنفرانس لندن حکومت افغانستان برنامه ای برای مذاکره با مخالفین مسلح را پیشنهاد کرد که مورد قبول قرار گرفت اما مانند گذشته، میان دو کمک دهندهء مهم به دولت افغانستان، یعنی انگلستان و امریکا در این رابطه نظر واحد وجود ندارد. به نظر می رسد که امریکائی ها برای یک ونیم سال آینده برنامهء جنگ را به پیش خواهند برد. این برنامه با حمله به مرجه در ولسوالی هلمند آغاز شد.

ریچارد هالبروک در مورد این حمله گفت که عملیات مرجه یک تجربهء جدید در تاریخ جنگ است. قصد نیروهای ما کشتن هرچه بیشتر طالبان نیست بلکه تلاش خواهیم کرد تا طالبان میانه رو را از تندرو جدا سازیم. طالبان میانه رو آنهائی هستند که قانون اساسی افغانستان و نظام این کشور را می پذیرند و با القاعده پیوند ندارند. آنها بعلت های گوناگون از دولت افغانستان ناراضی شده اند اما خواهان خروج نیروهای خارجی از افغانستان نیستند.

مشخصهء دیگر این جنگ که از همان آغاز روی آن تاکید صورت گرفت این بود که هدف از این عملیات اینست تا قلب و ذهن مردم افغانستان شکار شود و آنها به این باور برسند که نیروهای خارجی برای کمک به آنها آمده اند. نیروهای خارجی تلاش خواهند کرد تا از کشتار غیرنظامیان کاسته شود و به مردم شرایط بهتر زندگی فراهم گردد.

ادامه درص۷

درد آشنا بهار

استاد خلیل الله خلیلی

دیر آمدی به کلبه ام ای بی وفا بهار!
با یار آشنا نکند کس جفا بهار!
در نو رهان مقدم نوروز داشتی
تردامن از شکوفه و گل بارها بهار!
با باد بامداد تو می بود بوی مهر
عشق آفرین و مژده ور وجان فزا بهار!
نظارهٔ شب تو به سیمای آسمان
می داشت جلوه گر ملکوت خدا بهار!
آواز قطره قطرهٔ باران دلکشت
می کرد نقش در دل شب صد نوا بهار!
از ماورای پردهٔ ادراک ما مدام
می خواست با فروغ ستاره صدا بهار!
می آمدی و در قدمت می نمود فرش
شعر مرا سخنور درد آشنا بهار!
در مقدم تو بوسهٔ اخلاص می نمود
چشمم جدا نثار و دل من جدا بهار!
بلبل به باغ وصف جمال تو می سرود
با شعر نغز خواجهٔ معجز ادا بهار!
می شد به بوی گلشن شیراز شام ها
بال و پر خیال مرا رهنما بهار!
اکنون شنیده ام که در آن گلزمین ذوق
باریده بمب، آتش و مرگ از فضا بهار!
برخوابگاه حامی صلح بشر دریغ
دشمن شعار جنگ نموده به پا بهار!
شیخی که خون گریست به بغداد و ماتمش
بغدادیان دهند به خونش جزا بهار!
"آید هنوز نعرهٔ سعدی زبوستان"
در دعوت بشر سوی صلح و صفا بهار!
شیراز شهر عشق و گلستان آشتی ست
خواهند شهر عشق چو ماتمسرا بهار!
ایوان خواجه مطلع خورشید سرمدیست
انوار آن نگر به صباح و مسا بهار!
خاک درش به دیدهٔ تعظیم می برند
دردی کشان مصطبه چون کیمیا بهار!
این طرفه خلوتی است که رندان می فروش
کردند راز عشق در آن برملا بهار!
از بحر فتنه موج مفاسد کشیده سر
تا خود برد سفینهٔ ما را کجار بهار!
ما سالها غنوده به بالین غفلتیم
امیدوار سایهٔ بال هما بهار!

در بهار آزادی

شبگیر پولادیان

مژدهٔ نوروز نو از روزگاران می رسد
فر فروردین آزادی شعاران می رسد
موج در موج بهار سبز می جوشد زمین
شهسوار مهر از موج غباران می رسد
دشت خون آلود می بندد شقایق برکمر
موکب رنگین فصل نوبهاران می رسد
شب گریزد سوی گور سرد دهشتناک خویش
صبح میلاد بشارت بر دیاران می رسد
آن سیه پوش عزا آن سرو خونین پیرهن
چون پرافشان پرچم خونین تباران می رسد
نوشخند فتح بگشاید دهان باغ را
غنچهٔ خونین دهن تا بر اناران می رسد
وان سرود مانده در خشکیده نای شام شوم
همنوا با نم نم شاداب باران می رسد
شاهد پاک شهید خفته در گرداب خون
تازه چون روح شقایق بر شیاران می رسد
خون بخشکد در نگین چشم جلادان باغ
تا به گلشن نغمهٔ مست هزاران می رسد
برشیار چهر پر آژنگ می خندد لبان
از دل آیینه ها تصویر یاران می رسد
صیقل خوناب می شوید غبار بنده گی
مزرع ویرانه را آن آبیاران می رسد
آب زهر آلود پالاید نگاه برزیگر
خاک خون اندود را آن خاکساران می رسد
طبل آزادی چو تندرهای طوفان می تپد
مژدهٔ وارسته گی از روزگاران می رسد
ترعه می بندد زجوی خون خود مردان رزم
ساحت ایوان حق را پاسداران می رسد
دیو و دد را پای ماندن نیست در غار غرور
پهلوان "هفتخوان" کوهساران می رسد
داربست جور می افتد زپا از بیخ و بن
پاکبازان شهادت "سربداران" می رسد
تا شماری از شماطت می نشیند "شمر" وار
کربلای فتح خون را بیشماران می رسد
شحنه های تنگدل را تنگنا خواهد فشرد
دل به دریا داده گان آتش کناران می رسد
خنجر رخشان حق برسینهٔ باطل خلد
روشنان دیدهٔ امیدواران می رسد
جادهٔ آزاده را آزاده مردان ره برند
کوره راه مردمی را رهسپاران می رسد
بیرق گلگون نشان قهرمانان شهید
با هزاران لاله از خاک "مزار"ان می رسد
"کاوه" های دادخواه شمشیر آزادی شوند
مرگ نفرت بار بر "ضحاک ماران" می رسد
قامت "البرز" کُه را "آرشان" سر برکشند
"هیرمند" مست را "اسفندیار"ان می رسد
"شهرجامی" چون "منارجام" می بالد به اوج
"بلخ بامی" را نهانی یادگاران می رسد
می فروزد "طاق بست" باستانی را چراغ
شعلهٔ قندیل سبز "قندهار"ان می رسد
رود "ترنک" را نوازد غرش "میوندیان"
وز "هریوا" نعرهٔ چابکسواران می رسد
رستم از "هامون" براید با درفش "نیمروز"
موج های مست آمو بر "تخاران" می رسد
از ستیغ "کوه بابا" بر بلند "بامیان"
قامت تندیس شیر شه شکاران می رسد
آفتابی از شهامت بر چکاد "هندوکش"
سایه سار خاک را پرتو نثاران می رسد
وز فراز "بام دنیا" از "دیار لاژورد"
کاروان "راه ابریشم" قطاران می رسد
تاکبن ها خوشه می بندند در "پروان" زمین
بادهٔ مست جوانی برخماران می رسد
آسمانی نعرهٔ حق ز "آسه مایی" گل کند
نصرتی بالاتر از "بالاحصار"ان می رسد
می گشاید داور حق دادگاه داوری
دادخواهان بر بساط دادیاران می رسد
نقش می بندد به لوح جاودان نام وطن
صفحهٔ آزاده گی را زرنگاران می رسد
پای در زنجیرها زنجیرها را بشکنند
شاهد پیروزمند کامگاران می رسد
باز می خشکد به چشم غمگنان سیلاب اشک
دل به غم بسپرده گان را غمگساران می رسد
از نوا بر می نشیند مرغوای جغد جنگ
مرغ میمون طرب بر مرغزاران می رسد
مزرع پدرام می گردد زمین سوخته
کشتزاران را پیام کشتکاران می رسد
نقطهٔ فرجام یابد غربت دلخسته گان
لحظهٔ دیدار بر چشم انتظاران می رسد
میهن از زرین درفش خاوران گلگون شود
نگهت باد رهایی مشکباران می رسد
بر زلال چشم مام میهن از وارسته گی
اشک شوق زنده گی چون چشمه ساران می رسد

ای زمین تشنه بگشا کام عطرآگین خویش!
کان بهار تازه رو با باد و باران می رسد

"دعای سبز علف"

ملکزاد

"دعای سبز علف" حاصل سالها انتظار، انتظار تلخ و جانگزای برای رسیدن به باغسار وصال است، وصال رهیدن گیسوان مادر وطن از چنگ عفریت پس از درهم شکستن زنجیرهای اسارت...!

در این سروده مشاهده خواهد شد که شاعر، سالها برای دیدار دیار عزیزش، بستگان و دوستان گرامی خود غمگینانه موئیده و سرانجام با هزیمت اهریمن، توفیق، رفیقش شده تا شاهد آزادی را به آغوش کشد.

لذا می شود گفت: سرودهٔ "دعای سبز علف" بازتابی است برای ختم یک اندوه بزرگ و اوج ناله و سوز و اشتیاق یک عاشق دلسوخته، دلسوختهٔ آزادی، شیفتهٔ دیدار سیمای عزیزان مهرورز و عاشق بوسیدن خاک گرامی زادگاه، که پس از سال ها و به دنبال جاری شدن جویبارهای اشک به درگاه خدا، فراهم آمده است.

این شما و این هم سروده یی با آن محتوا:

به رگ رگش چو روان شد روان آزادی
به بر نمود وطن طیلسان آزادی
دعای نیمه شب خسته گان اجابت شد
خجسته سوره ی فتح مبین تلاوت شد
شگفته گشت گل عهد دی به باغ دلم
شراب شوق سفر کرد پر ایاغ دلم
بر آن شدم که شوم سوی زادگه راهی
که هست عشق وطن همچو آب و من ماهی
چه سالها زغمش عاشقانه موییدم
تمام عمر به صحرای داغ روییدم
بهار بود و پر از عطر سبزه کوه و راغ
و گاه چیدن گل ها ـ سبد سبد ـ از باغ
به من سلام پر از عشوه ی شقایق ها
طرب به لوح دل خسته می نمود انشا
صبا، ز چهره ی من مادرانه می بوسید
و تار و پود غم و درد کهنه می پوسید
طلوع دست طراوت، به هر نگه می رُست
غبار هرچه الم را، ز قلب من می شست
ز شوق همچو نسیم سحر خروشیدم
و بوی مست علف جرعه جرعه نوشیدم
"دعای سبز گیاهان"، رفیق راهم بود
صفای مردم پر مهر تکیه گاهم بود
سرود عشق ز لبهای جمله شان جاری
و از صحیفه ی دل شعر امتنان جاری
به سوی زادگهم عاشقانه می رفتم
خوشی نداشت نهایت، که خانه می رفتم
چه مهربان و صمیمی بود زن و مردش
وطن که هست شرافت همه فراوردش
عزیز حصهٔ من باد تا ابد آباد
زبند درد و غم و رنج و برده گی آزاد
روم ز صدق زنم بوسه بر جبین خاک
و جویم از نفحاتش علاج سینه ی چاک
وطن چه خوب و صمیمی بود زن و مردت
به ویژه قریه نشینان پاک و با دردت
ایا یلان و رسا قامتان هر میدان!
و ای صبورتر از صخره های کوهستان!
ز کوی مشرق مقصد چو باره بربستید
چو مهر سنگر شب های فتنه بکشستید
به من بود زشما بعد از این جدایی سخت
که بی شما نشود سازگار با من بخت
به عذر آمده سیلاب اشک خجلت من
فدای تان سر من بهر جرم ترک وطن

نوروز

ش یارقین

نوروز بو غربتده مینی شاد ایتمس
کونگلومنی غم و غصه دان آزاد ایتمس
اولسم وطنیم عشقیده فریاد ایتمم
پروانه کوئیب اولگه ی و فریاد ایتمس

داستان بوستان

عبدالأحد تارشی

آمدبهار و غرق خزان است بوستان
قلب شکسته زخم عیان است بوستان
دیوار آن بلندتر از قامت بهار
آن سوی مرز سبز زمان است بوستان
کم نیست دستها که فشارد گلوی او
افتاده زیرپای خسان است بوستان
پیراهنی که یوسف آن را دریده گرگ
خونین و پاره پاره چنان است بوستان
با برگ های ریخته بر خاک بیکسی
از بهر درد خویش زبان است بوستان
در ژرفنای سرد ترین چاه انجماد
از دیدهٔ بهار نهان است بوستان
صدها هزار قصهٔ خونین خویش را
امروز هم چو پار بیان است بوستان
از چشم نرگسی که زدامان او دمد
سیلی زگریه گشته روان است بوستان
میدان پهلوانی غارتگران باغ
بازار بیع و سود و زیان است بوستان
از بس به خون تپیده شده بسکه زیرپا
دیگر تهی ز تاب و توان است بوستان
تنها نه در بهار که در چار فصل سال
از زخم خویش لاله ستان است بوستان
آهی که هیچگاه شرارش نگشت سرد
اشکی همیشه در جَرَیان است بوستان
جسمی که روح غیر در آن می کشد نفس
قلبی تهی ز گرمی جان است بوستان

سوز الم

استاد محمد امین متین اندخویی

گذر کن از کرم باد صبا بر طرف باغ من
که جان تازه یابد سبزه های خشک راغ من
نفس را سوی مرآت خیالم اذن جولان ده
رباید گرد کلفت تا عبیرش از دماغ من
مرا، می در سبوی دیده کیف سرمدی بخشد
ولی از تیره بختی تر نشد کام ایاغ من
عجب نبود به این واماندگی ورد زبان گردم
نفس، دزدیده هر سو می برد بویی زداغ من
اگر ورزد تغافل چشم بیمارش ز تیمارم
ره نظاره گان باز است از بهر سراغ من
سپاس و عزتم در بیکسی بین، آه مظلومان
زمین بوسیده می آیند در کنج فراغ من
بنازم دخت صحرا راکه بَرَد دامن کشان ما را
گره بسته نگه را با قماش پر قوراغ (۱) من
از آن در سایه مژگان آهو خلوت آرایم
نسیم از شعله های لاله افروزد چراغ من
متین آراست از سوز الم ویرانهٔ خود را
نگیرد کس به جز پروانه در محفل سراغ من

***

(۱): قوراغ: جامهٔ پینه دار

سپرلی

نیکمل خاځی

هره خوا وطن ګلزار شو چی سپرلی شو
بیا د سرو ګلونو وار شو چی سپرلی شو
عطر وپاشل ګلونو په هر ځای کی
ټول ماحول خوشبودار شو چی سپرلی شو
ځنګه ماتی یی خزان ته کړه په برخه
سلطنت یی تار په تار شو چی سپرلی شو
له ډیر وخته بی دیدنه له یو بل وو
هر بلبل له ګل نه زار شو چی سپرلی شو
بلبل ساز او سرود پیل کړی غونچی خاندی
د خوښی پیغام اظهار شو چی سپرلي شو
ناقراروم چی می یار لیدلی نه وو
په ګلاب می زړه قرار شو چی سپرلی شو
د سرو ګلو بڼ کی ناست ساغر په لاس کی
میخور مست شو او خمار شو چی سپرلی شو
اوس خو هره ورځ نیکمل راځی ګلبڼ ته
دا ځل بیا راسره یار شو چی سپرلی شو

سال نو

با آرزوهای کهنه آغاز می شود

پوهندوی عبدالعلی کوهی/ استاد دانشگاه کابل



نوشدن، نو گفتن، تولید فکر جدید و گره گشایی نمودن زندگی، از ویژگی های یک جهان موفق و انسان های به مرام رسیده می باشد. زندگی را در سکوت و برهوت خیال گذرانیدن، فقط بازی تقدیر نیست، بلکه همین انسان ها اند که زندگی و ماحول خود را، زیبا می سازند. زندگی و طبیعت به ذات خود زیباست؛ اما هستند کسانی که آن را ناجائز و ناملائم می سازند. گفته اند که انسان ها به بهانه و امید فردا زندگی می کنند، انسان های تهیدست و فاقد رفاه اجتماعی، روزهای دشوار و استخوان سوز زمستان را به امید آمدن بهار به سر می برند، این امید سبز انسان هاست، که در آنها تحمل دشواری های زمستان را به وجود می آورد.

آرزوهای بلند و رسیدن به اهداف زندگی، جوانان را آماده می سازد تا مهارت ها، دشواری ها و رموز علم را فرا گیرند. این نو شدن طبیعت ثمرهٔ زمستان و دشواری های آن می باشد و به انسان ها می آموزاند، که همچون بهاران، زنگار تنبلی و بی مبالاتی را کنار بگذارند و غنچه های ناشگفتهٔ خویش را به گل و شگوفه تبدیل نمایند. از نظر عرفاء بزرگ غنچه بودن نماد قفل و فروبستگی و نسیم صبح بهاری طبیعت، مفتاحی و گره گشایی است. طوریکه حافظ می گوید:

چون غنچه گرچه فروبستگی است کار جهان
تو همچو باد بهاری گره گشا می باش
دلا چو غنچه شکایت ز کار بسته مکن
که باد صبح نسیم گره گشا دارد

از نظر مولوی بلخی، عید وقتی است که قفل زندان شکسته می شود و زندانیان آزاد می شوند. ویژگی عید شکستن قفل زندان و شکستن چنگال و دندان این چرخ مردمخوار است؛ یعنی زندان ستم، زندان تعلق، زندان رذیلت، زندان گناه، زندان بیگانگی با خود زندان تنهایی، زندان جدایی، و در عالم طبیعت شکستن زندان زمستان و خزان و گشودن ابروی طبیعت است.

این بهار نو زبعد برگ ریز
هست برهان وجود رستخیز
در بهار آن سرها پیدا شود
هرچه خورده است این زمین رسوا شود

نوروز و بهار، ظهور و تجلی رمز حیات است. نوروز که بزرگترین جشن ملی آریایی ها می باشد و سازمان علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) حفظ و نگهداری مراسم نوروز را جزء برنامه های فرهنگی خویش در کشورهای افغانستان، ایران، تاجیکستان و سائر مناطق جهان که به نحوی از این فرهنگ باستانی متأثر هستند، ساخته است.

طوری که می دانیم سرزمین افغانستان میراث جشن نوروز را در خود، دارد. ظرف سال های اخیر مردم خسته از جنگ و نا امنی در این کشور، کمتر توانسته اند، به اهداف انسانی، مادی و معنوی خویش نایل گردند، امروز مردم افغانستان همان آرزوهای گذشتهٔ خویش را به سر می پرورانند، مردم فقط به خاطر تحقق آرمان های گذشتهٔ خود یعنی، بازگشت به ثبات سیاسی، امنیت، عدالت اجتماعی، بسترهای سالم حیات شهروندی چشم دوخته اند. از سیما و چهره های مردم فهمیده می شود که آنها امیدی به پیروزی خویش در سال آینده ندارند. مردم همان خواسته هایی را که در سال های گذشته نتوانسته اند، بدان برسند، بار دیگر در آرزوهای خود زنده ساخته اند. آرزوهایی که چون امنیت، مشارکت ملی، عدالت و تقوی اجتماعی، رفاه اجتماعی، اشتغال و... در افغانستان نه تنها به وجود نیامده است؛ بلکه برعمق این بحران ها نیز افزوده شده است.

این در حالی است که سخنگویان دولت، سال آینده را خونین ترین سال برای مردم افغانستان می خوانند، در یک چنین اوضاع و احوال آشفتهٔ سیاسی و اجتماعی، چگونه می توان سال نو را با امیدهای تازه به تجلیل گرفت. سال نو فقط با یک سلسله سرود و ترانهٔ نوروزی و با چند شعار و برنامهٔ تشریفاتی خلاصه نمی شود. بلکه طرح بهتر زیستن، غلبه بر دشواری ها، طرح برنامه های روشن و واضح برای تغییر جهات مادی و معنوی زندگی، از ویژگی های نو شدن و استقبال از سال جدید می باشد.

در صورتی که برای رسیدن به اهداف بلند مردم، کار اساسی انجام نیابد، نمی توان از سال جدید امید چندانی داشت. سال جدید فقط با همان امیدهای بسته و ناشگفتهٔ افغانستانی های دربند بی عدالتی، جنگ و فساد گستردهٔ سیاسی و اجتماعی، از سرگرفته می شود، سال نو با همان شعارهای سال های پار آغاز می شود، که این امیدها هیچگاه در گذشته ها تحقق نیافته، امروز مردم با این امیدها سال نو را استقبال می کنند، که در گذشته ها مردم نه تنها به این اهداف نزدیک نگردیده اند؛ بلکه از این اهداف فاصله گرفته اند. مردم هم اکنون در همان آرزوهای گذشتهٔ خود، زندگی می کنند و بهار را که بهانه یی برای زیستن است، با یأس و ناامیدی آغاز می کنند.

سال آینده و بهار آینده، با همان شعارهای کهنه، همان نا باوری به آینده و سرنوشت تاریک نسل های تشنه به صلح، کار و رفاه اجتماعی، ادامه خواهد یافت.

به هرصورت، سال نو و نوروز، یک سرنوشت محتوم برای مردم کشور است که آنها فقط عمر خود را سپری می کنند و این مرگ تدریجی، میلیون ها انسان یک بار دیگر تکرار می شود. باز هم خشونت، جنگ و صفیر گلوله ها، فقط ما با واژه های جنگ، نارنجک و اخبار مرگ و میر و ناامیدی به سال نو می نگریم، امید است سال نوی که در پیش است، دستی از غیب آید و کاری بکند تا برای یک روز هم اگر باشد، اخبار جنگ، ترور و جنایات در این کشور شنیده نشود.



ښه اخلاق د ښه مسلمان ځانګړتیا ده

ځپاند

ټول په دې باندې پوهېږي چې د اسلامی دعوت ښنټ پر ښو اخلاقو باندی ایښودل شوې ده. اسلام په لومړی سرکې هم د پیغمبر او اصحابو د ښو اخلاقو په نتیجه کې خپور شو او بیا وروسته په پیړیو پیړیو کې د اسلام د بری غټ راز همدا وه.

یو مسلمان باید خپل مسلمان ورور سره په ښو او نرمو الفاظو خبری وکړی او که چیری د دوی ترمنځ کومه شخړه او اختلاف هم رامنځته کیږی، نو په ښو اخلاقو او پسته ژبه د دې اختلاف او شخړی د حل لپاره لاره پیدا کړي.

اسلام حکم کوی چې حتی د دین له دښمنانو سره هم بد چلند مه کوی او د هغوی معبودانو ته سپکی سپوری خبری او نسبتونه مه کړی!

د پیغمبر لپاره دا حکم شوی چې مسلمانانو سره نرمې خبری وکړی او مهربان و اوسی او خدای فرمایی که چیری ته سخت زړه اوسی او ترش وچلی ولرې، نو خلک ستا له شاوخوانه لری کیږي او ستا ملتیا پریږدی. نو پیغمبر ته د خدای له طرفه امر شوی چې له خلکو سره ښه رویه ولري او له ښو اخلاقو او مهربانی نه کار واخلی. دا د اسلام حکم او د اسلامی ټولنی ځانګړتیا ده. د تعجب ځای ده چې یو کس په داسې حال کې چې د مسلماني دعوه ولري، اخلاق یې بدوی یا خلکو سره بده رویه کوی یا د ښو الفاظو پرځای، بد الفاظ کاروی او د نورو مسلمانانو ورونو یا خویندو یا وطنوالو د خوا بدی او خواشینی لامل ګرځی...

جهاد او مبارزه یواځې په ټوپک نه کیږي او نه له دښمن سره په ډغری وهلو خلاصه کیږي... اصلی مومن او مسلم هغه دی چې له خپل نفس سره مبارزه وکړی او خپل قهر او غضب کنترول کړی. که چیری یو مسلمان په حقه وی او په غوصه شي نو ښایی چې خپل قهر او غوصی باندی قابو شي او خپل خور یا ورورته عفوه وکړی او په دی توګه کورنی او ټولنیزو اړیکوته زیان ونه رسوی او د علایقو له خرابوالی څخه ډډه وکړی. خدای دې مونږ ټولوته د ښو اخلاقو د ساتلو او پیاړی کولو توفیق را په برخه کړی.

د ملي پخلاینې او سولې لپاره د مشورتي جرګې هڅې په کوم لورې؟

رفیق بحر

> بنایي زمونږ هېواد د تجاربو په رڼا کې له همدې ډول جرګو او ملي غونډو له لیارې وکولای شي، ملي وحدت لاس ته راوړي؛ ځکه جرګې د افغانانو دود او کلتور دی. خو خبره داده چې جرګې او د جرګو هڅې باید په حکمت او بصیرت ولاړې اوسي. او هم هغسې تګلارې په کار واچولې شي چې له دولت څخه د ملاتړ پرځای مخالفت زیات نکړي.

ویلی کیږي چې د افغانستان دولت هاند لري د غويي په دولسمه نیټه د ملي پخلاینې او سولې د راتګ لپاره یوه ستره مشورتي جرګه راوبلي، او په دې لړ کې یې تیاري هم نیولي دي.

دا صحیح ده چې افغانان له بل هر وخت څخه دا مهال زیات دې ډول هڅوته اړتیا لري. او نور باید په هېواد کې د کورنیو جګړو تغر ټول او سرتاسري امنیت تامین شي؛ د طالبانو او د دولت له ټولو مخالفینو سره دې خبرې اترې وشي او هغه عوامل دې له مینځه یوړل شي چې لامله یې بهرني ځواکونه په هېواد کې میشت دي.

او بنایي زمونږ هېواد د تجاربو په رڼا کې له همدې ډول جرګو او ملي غونډو له لیارې وکولای شي، ملي وحدت لاس ته راوړي: ځکه جرګې د افغانانو دود او کلتور دی. خو خبره داده چې جرګې او د جرګو هڅې باید په حکمت او بصیرت ولاړې اوسي. او هم هغسې تګلارې په کار واچولې شي چې له دولت څخه د ملاتړ پرځای مخالفت زیات نکړي.

دلته یو ازې دغه دوه خبرې باید په پام کې ونیولی شي: لومړی: دا چې د جرګې د رابللو لپاره او په کې د ولسونو د استازو د شریکولو په لړ کې داسې معیارونه او پروسیجر وکارولی شي چې د منلو وړ اوسي، یعنې هغه څوک چې په جرګه کې د استازو په توګه ګډون کوي هغه باید په ریښتیني معنا په ولس کې د خبرو منلو مرجع او د باور وړ خلک وي، نه هغوی چې د کرزي صیب په کمپاین کې مخکښان وو، که هغوی دا کار ونه کولای شو او خلکو پرې باور لرلې نو بیا جرګوته اړتیا څه لیدل کیږي!، همې هم د هېواد د برخلیک ټاکلو په تغر همدغه کاغذي زمریان او ملي شخصیتونه (!) ناست دي، ولس دې ورته راشي. خو خبره دا ده چې په هر څه لوبې(!) آخر په ږیره د ببا لوبې کول په کار ندي!

که د وزیرانو شورا او د کرزي صیب د مشاورینو لښکر او په ځانګړي توګه د هغه باوري ملګري دې ولس ته د منلو وړ واې نو هیڅ به مخالفت نه کولو، خو حقیقت دا دی چې د "یوم السبت" د خلکو پېښې کوونکې په افغان ولس کې باور او ځای نلري، په کار ده له هغو خلکو څخه دغه حکومت غوښتنه وکړي چې د خپلو اسلامي او ملي ارزښتونو په مټ په دې ولس کې ژورې ریښې لري نو لومړنی هغه کار چې ترسره کول یې په کار دي. باید داسې شخصیتونه دې جرګې ته راوغوښتل شي څو یې په اسلامي هویت او افغاني تشخیص د ولس د خلکو د باور په بنیاد د ولس تونې پرګنې خبرې ته غوږ کېنږدي او ورڅخه د عمل په ډګر کې ملاتړ وکړي

او دویم دا چې د جرګې د تنظیمولو چارې داسې خلکو ته وسپارلې شي چې کم تر کمه په خپل ولایت کې خو یو کیلومتر په زړه ورځ سفر وکړای شي، هغوی چې د کابل په ګاونډ ولایت کې په خپلو سیمو کې ګرځېدلای نشي او د ولایت خنک یې دې حکومت ته تن نه ږدي نو هغوی به څنګه وکولای شي چې د دولت د مخالفینو ملاتړ لاس ته راوړي او له دولت څخه مرور او په پالیسیو یې معترض افغانان ورسره خبرو ته کښېني.

دا خو څه انتخاباتي کمپاین ندی چې کرزي صیب یې په خدماتو(!) وساړي، بلکې دا د افغانستان د خلکو د سرتاسري باور خبره ده، که چیرې دغو ښاغلو د افغانستان د خلکو باور په ریښتني معنا لاس ته راوړلای شوای نو نږدې نهه کلونه وشو چې د کرزي صیب ټولې مشورې له همدوی سره دي، باید چې د دې هېواد حالات له یوې ورځې څخه بلې ته ښه شوي وای او د بیرنۍ لویې جرګې، بیا د اساسي قانون د جرګې او بیا هم نږدې درې کاله وړاندې د سیمې د امن د جرګې دغو نوښتګرانو یو څه لاسته راوړنه لرلای او د حکومت د نفوذ دایره یې له یوې ورځې څخه بلې ته زیاته کړې وای. نو چې داسې ونشول او د حکومت او دولت په څنګ کې د دې ښاغلو وطنوالو د دوی په دې دولت کې له شتون سره سره هم خپل مخالفتونه کم نکړل او له یوې ورځې څخه بلې ته د دوی په شتون کې دغه دولت ضعیفه کیږي نو بیا ورته په کار دي چې له دې دولت څخه یو څنډې ته شي او د دې دولت بورته نور زیان نه رسوي.

تهاجم قانون غرب در کشورهای اسلامی

سیدعنایت الله شاداب
استاد دانشگاه کابل/ قسمت یازدهم

حکومت های اسلامی خواهان آن بودند که قوانینی تدوین و ترتیب گردد، ولی در وضع و تنظیم آن مداخله نکردند اما با وصف آن هم قوانین به میان آمده، قوانینی بود مخالف احکام شریعت اسلامی. (۱)

استاد عبدالقادر عوده، در بیان علت این کار می گوید: "زمامداران بسا کشورهای اسلامی چه در دوران های پیش و چه در دوران های معاصر هرگز به این خیال نبودند که با شریعت اسلامی مخالفت ورزند، ولی به رغم آن هم و حتی تأکید برخی آن ها بر منع مخالفت با شریعت اسلامی. قوانین به گونهٔ مخالف با شریعت اسلامی عرض وجود کرد. شاید علت این امر آن باشد که قانونگذاران یا اروپایی بودند که پیوندی با شریعت اسلامی نداشتند که نه مطالعه در قانون داشتند و نه آشنایی با شریعت و یا هم مسلمانانی بودند تحصیل یافته در رشتهٔ حقوق و فاقد تحصیل در بخش شریعت.(۲)"

این امر را می توان در کمیتهٔ تشکیل شده از طرف شورای وزیران مؤرخ ۲۷جنوری سال ۱۸۸۰مشاهده کرد که مؤظف بود تا آمادگی لازم را برای حکومت مصر در مورد محاکم مختلط محلی داشته باشد، دو بر سه این کمیته را غیر مسلمانان تشکیل داده و درمیان باقی اعضای کمیته به جز قدری باشا هیچکس نبود که از شریعت اسلامی آگاهی داشته باشد.

از همین جهت بود که وقتی قدری باشا به حیث وزیر عدلیه تعیین گردید نتوانست که فیصلهٔ مجلس وزرا در مورد اخذ قوانین از شریعت اسلامی را در مرحلهٔ اجراء قرار دهد و وزارت وی هم بیش از ۱۴۰روز دوام نکرد و حسین فخری باشا دوباره به حیث وزیر عدلیه تعیین گردیده و عذری را به شورای وزراء پیشنهاد کرد که قانون مدنی آماده و برگرفته از شریعت اسلامی را در اختیار ندارد که موجود باشد ورنه مخالفتی به آن نداشت. به هر صورت او به جای آن که از نمونه های کار شده توسط قدری پاشا استفاده نماید تا آن را در اجراء فیصلهٔ شورای وزیران کمک نماید، قوانین بیگانه را جاگزین آنها کرد.(۳)

در مورد این قانون مستشار ایتالوی "مسینا" چنین گفت: این قانون، قانونی نیست که ساختهٔ مصر باشد، قانونی است وارداتی و کار مستعجلی توسط شخص است که فرهنگی علمی و تخصصی آن در حد متوسط قرار دارد و این قوانین مجموعه یی است از این جا و آنجا.

"بیولا کاربیللی" حقیقت فوق را این گونه مورد تأکید قرار داده و گفته است: "مصر وجیبه دارد که قانون خویش را از شریعت اسلامی برگیرد که بیشتر از سائر قوانین با روح قانونی کشور هماهنگی و توافق دارد."(۴)

این بود واقعیت تلخ قانونگذاری در بخش کشورهای اسلامی چه در آسیا و چه در افریقا. زیرا عهده دار قانونگذاری در این کشورها عناصری بودند ناآگاه نسبت به شریعت اسلامی و تربیه یافتگان فرهنگ اروپایی و یا کسانی بودند فاقد آگاهی اسلامی و نتیجه هم آن شد که قوانین بیگانه در کشورهای اسلامی جاگزین شریعت اسلامی شد.

قانون مدنی سوریه: وزارت عدلیهٔ سوریه کمیته ای را مؤظف کرد تا قانون مدنی را اساس گذاری نماید که برگرفته از فقه اسلامی بوده و در هماهنگی با تحولات زمانی و پاسخگوی نیازهای نوین باشد.

اما این کمیته که نزدیک بود کار خود را به پایهٔ اکمال برساند که ناگهان کودتای نظامی به رهبری "حسنی زعیم" به وقوع پیوسته و کمیتهٔ را به ریاست "اسعد کورانی" وزیر عدلیه تشکیل داد. "اسعد کورانی" رهبر کودتا را به این امر قناعت داد که برترین وسیلهٔ جاودانگی و عظمت شما در نزد بیگانگان همانا وضع یک قانون بیگانه در عوض شریعت اسلامی بود، همان گونه که مجموعهٔ قانون ناپلیون باعث جاودانگی نام آن گردید و قانون مدنی مصر را که از بستر قانون مدنی بیگانه گرفته شده بود بهترین نمونهٔ قانون مدنی برای سوریه پیشنهاد کرد.(۵)

قانون مدنی المغرب: المغرب هم به سان سائر دولت های تازه به استقلال رسیده از استعمار اروپایی، تلاش نمود تا قانونی وضع نماید که بازگو کنندهٔ استقلال او بوده و گلیم فکر بیگانه گرایی را که در قوانین غربی تمثیل می شود، جمع نماید و به موقف دفاع از استعمار گران و در شریعت اسلامی و شخصیت های طرفدار تطبیق شریعت پایان دهد، موقف گیری دشمنانه ای که چهرهٔ خود را همزمان با فرمان صادره از طرف محمد پنجم در ارتباط به تشکیل کمیته ای برای تدوین فقه به حیث قانون رسمی دولت در همه محاکم، بعد از استقلال آشکار ساخته و گام اولی خود را در منحصر ساختن کار کمیتهٔ یاد شده در احوال شخصی برداشت و بودجهٔ این کار تقنینی را توسط شعبهٔ تدوین قوانین که تحت نظر فرانسوی ها کار می کرد، معطل قرار داده و با تشکیل پارلمان المغرب همان قانون مدنی برگرفته از قانون مدنی مصر مورد تأیید قرار گرفت و ماده یی را که ربا را بر مسلمانان تحریم می کرد منسوخ قرار داده و مدعی شد که تطبیق شریعت اسلامی در المغرب جدید نظر به منافات و مخالفت آن با جریانات کنونی و اوضاع فعلی کاری است بس مشکل و حتی مستحیل.(۶)

۴- تطبیق شریعت اسلامی از همان آوان پاگذاری قوانین غربی در محاکم اسلامی، همواره از خواسته ها و مطالبات جدی مسلمانان بوده که در قوانین اساسی کشورهای اسلامی تجسم یافته است که از آن جمله می توان به قانون اساسی مصر اشاره کرد که در ۱۱سپتمبر ۱۹۷۱ مورد تصویب ملت مصر قرار گرفته و در ارتباط به نظام دولت، در مادهٔ دوم آن آمده است که متن آن چنین است: "اسلام دین دولت بوده و زبان عربی زبان رسمی آن و مبادی شریعت اسلامی منبع اساسی قانونگذاری می باشد."(۷)

واضح است که اگر قانون اساسی یک کشور شریعت اسلامی را به حیث منبع اساسی قوانین خویش معرفی می کند، معنی آن این است که هر قانونی که مخالف شریعت در یک کشور تصویب می شود مخالف قانونی اساسی است، همان گونه که "محمود عبدالحمید" رئیس یکی از محاکم ابتدائی مصر در جنوب قاهره با استدلال به همین مادهٔ قانون اساسی مصر، همه [illegible] در عرصه های حقوق و جنایی [illegible] حل و فصل نمود که موجب [illegible] آن گردید.(۸)

همین گونه عملکردها، عملکرد آن وزیر المغربی به نام "المغربی" است که متعصبانه در رفع شریعت اسلامی از میان بربرها تلاش ورزیده و به فرانسه هشدار داده که اگر فرانسه تحت فشار آراء عامهٔ مسلمانان، به [illegible] قانون بربری اقدام می ورزد. موقف وی در المغرب ضعیف گردیده و المغربی ها هم نظر خود راجع به فرانسه را تعویض خواهند کرد که اعادهٔ آن از امکان به دور خواهد بود.(۹)

۶- عقب نشینی علماء دین از اداء وجیبهٔ دینی شان که می توان آن را در پاسخ ندادن آنان به خواهش و درخواست اسماعیل پاشا در ارتباط به اصدار قوانین مطابق احکام شریعت اسلامی بود که قبلاً به آن اشاره نمودیم و فتوای آنان به این استدلال که قوانین محاکم یا همه مواد آن با یکی از مذاهب چارگانه به گونهٔ صریح در توافق بوده و یا در تعارض به این مذاهب نمی باشد و یا این قوانین از جملهٔ مصالح مرسله به حساب رفته که به دلیل توجه به مصلحت مردم می شود در آنها اجتهاد نمود.(۱۰)

و از جمله این چنین فتواها می توان به نظر مفتی "فاس" در المغرب اشاره کرد که می گفت: "لغو نمودن شریعت اسلامی درمیان بربرها به معنی اخراج بربر از اسلام نیست" امثال و نمونه هایی که در بسا کشورهای اسلامی صورت پذیرفته و مشکل است همهٔ آن ها را به شمار گرفت. فتواها و موضعگیری هایی که نقش بس بزرگی را در دور ساختن شریعت اسلامی از عرصهٔ تطبیق و در عوض آن عمل به قوانین اروپایی را، بازی کردند.(۱۱)

پی نوشت ها:

۱- عوده/عبدالقادر/ الإسلام بین جهل ابنائه و ضعف علمائه، چاپ قاره ص۴۱
۲- همین مرجع ص۷۱
۳- همین مرجع ص۷۵
۴- کامیا/ الکتاب الذهبی للمحاکم المختلط ص۸۳
۵- مصطفی احمد الزرقا/ الفقه الإسلامی فی ثوبه الجدید ج۱/ ص۴
۶- مجموعه الأعمال التحضیریه للقانون المصری ج۱/ص۱۸
۷- علال الفاسی/ دفاع عن الشریعه/ مطابع الرساله۱۹۶۶/ ص۶۰۴
۸- همین مرجع/ ص۶
۹- محمود عبدالحمید غراب/ احکام اسلامیه، ادانه للقوانین الوضعیه/ دار الاعتصام۱۹۸۶م/ ص۱۲۳
۱۰- [illegible]
۱۱- همین مرجع

نیم نگاهی به سالی که گذشت ...

زمان دقیق وقوع حمله مشخص نشد اما تبلیغات وسیعی صورت گرفت که با این حمله بساط طالبان از ولایت هلمند برچیده خواهد شد. به نظر می رسید که هدف اصلی از این گونه تبلیغات ترسانیدن طالبان بود تا بدون جنگ منطقه را ترک کنند. با وجود اینکه پانزده هزار سرباز ناتو و افغان در این عملیات شرکت کردند و تعداد طالبان مسلح که از مارجه دفاع می کردند اصلا با این تعداد عظیم قابل مقایسه نبود، اما تلاشی در جهت محاصرهء طالبان درگیر جنگ صورت نگرفت.

آمادگی برای جنگ ایجاب می نمود تا معلومات دقیق از ساحه ای که باید در آن عملیات صورت گیرد در دست باشد. نیروهای خارجی اعلام داشتند که مرجه مرکز مستحکم طالبان در افغانستان بوده و بین دو تا سه هزار جنگجوی طالب از این منطقه دفاع می کنند. تصدیق این ادعا از همان ابتدا مشکل بود اما برای توجیه عملیاتی به این بزرگی و وسعت باید توجیه قانع کننده موجود می بود.

خارجی ها از مردم محل خواستند تا از منطقه خارج شوند و این کار نیز به معنی جنگ روانی علیه طالبان بود. هزاران خانواده مجبور به ترک مارجه شدند اما طالبان هم بیکار ننشستند. آنها میدان های وسیع مین را بوجود آوردند و همانگونه که مشخصهء جنگ های چریکی است، تعداد کمی در منطقهء جنگی باقی ماندند تا در اثر بمباران های هوائی صدمه نبینند. تعدادی از نشان زن های آنان با تفنگ های دورزن در منطقه موضع گرفتند تا به شکار سربازان بپردازند.

تبلیغاتی وسیعی که برای پس گرفتن یک منطقهء کوچک صورت گرفت بروشنی نشان می داد که هدف قانع ساختن ذهنیت ها در کشور های غربی است تا بدانند که جنگ در افغانستان هرچند سخت است اما پیروزی در آن ناممکن نیست. این جنگ بیش از اینکه یک عملیات نظامی باشد، جنگی بخاطر دست یابی به اهداف سیاسی بود.

در سال گذشته مخالفین مسلح دولت مراکز شهر های بزرگ بخصوص شهر کابل را مورد حمله قرار دادند و در نتیجهء عملیات انتحاری، عدهء زیادی از افغانها و خارجی ها کشته شدند.

امسال سال حوادث طبیعی نیز بود که بی توجهی مقامات مربوط حکومت تلفات انسانی را بلند برد. برف کوچ در سالنگ موجب شد تا صدها موتر مسافربری زیر برف شوند و نبود وسایل سبب کشته شدن حدود یکصد و پنجاه نفر گردید.

در رابطه با مبارزه با فساد اداری در سال گذشته نه از جانب دولت افغانستان و نه هم از جانب جامعهء بین المللی تلاش جدی صورت نگرفت. این مسئله موجب نگرانی کشورهائی گردید که از این روند صدمه می بینند. بعنوان مثال فدراسیون روسیه از اینکه ناتو در این رابطه اقدام جدی نکرده است، بشدت نگران است.

در بعد اقتصادی سال گذشته برای حکومت افغانستان بدون دست آورد نبود. در روزهای اخیر سال ۱۳۸۸ وزارت مالیه اعلام نمود که میزان عواید داخلی کشور به مرز یک ملیارد و سه صد ملیون دالر نزدیک شده است و این دو برابر هدفی است که صندوق بین المللی پول در این سال برای افغانستان مشخص نموده بود.



د پاکستان په لاهور ښار، د طالبانو د وروستي برید

ځواب او عکس العمل

شفیق

تیره اونۍ په پاکستان کې د یوې ښې قرارۍ وروسته طالبانو د دغه هېواد په لاهور ښار کې یوه درنه چاودنه ترسره کړه چې له پنځوسو څخه زیاتو نظامي او ملکي وګړو د مرګ ژوبلې لامل شوه او په نتیجه کې د پنجاب ایالت خلک یې سخت وویرول همدارنګه له دې مره سم د ملاکنډ په هغه سیمه کې هم د دولت مخالفو طالبانو د خوځښت او بیا فعالیدو نښانې ترڅنګه شوې او په کې ځینې چاودیدونکي توکي د پاکستاني پوځیانو لخوا ونیول شو. چې له څو میاشتو په کې آرامي راغلې وه.

دغه دواړې پېښې او هم د پنجاب ایالت د جهلم په سیمه کې څو ورځې وړاندې د یو پاکستاني الاصل پنځه کلن برتانوي هلک "ساحل سید" د یو شمیر وسله والو لخوا یرغمالیدل او د پیسو په بدل کې یې د بېرته خوشې کولو غوښتنه دا په ګوته کوي چې په دغه هېواد کې د آصف زرداري دولت نور په حالاتو باندې کنټرول له لاسه ورکړی دی. که څه هم دغه پنځه کلن هلک د سه شنبې په ورځ د وسله والو له منګولو څخه آزاد کړای شو خو د دوه وو اونیو په دوران کې د دغه هېواد په ګڼو سیمو کې نا امنیو د پاکستان د خلې امنیت ته ستر ګواښ پېښ کړی دی چې لاملونه یې د پنجاب ایالت اعلی وزیر شهباز شریف له خولې داسې څرګندونې هم وشوې چې د مسلم لیګ له ګوند پرته د سرحد ایالت د ګڼو سیاسي ګوندونو لکه: "د خلکو ګوند" او "عوامي نشینل ګوند" ګڼ شمیر مشران یې په غوصه کړي دي: د پاکستان د لاهور په ښار د طالبانو د وروستي برید په ځواب کې د شهباز شریف له خولې ځینو رسنیو داسې یو خبر او تبصره خپره کړې وه چې په کې نوموړي له طالبانو څخه غوښتي وو: له دې امله چې مونږ او طالبان یو بل ته نږدې یو نو باید د پنجاب ایالت ته د طالبانو لخوا ګواښ پېښ نشي، چې ورسره د پاکستان په سیاسي کړیو کې د نوموړي دغه څرګندونې د سختې نیوکې لاندې راغلې او لاملونه یې شهباز شریف ادعا، وکړه چې ځینو رسنیو د نوموړي څرګندونې غلطې تعبیر کړیدي

همدارنګه بلې خواته د وزیرستان او کرمې په قبایلي سیمو کې د امریکا بې پیلوټه الوتکو په وروستیو دوه وو اونیو کې ځینې حملې ترسره کړي دي چې د دولت مخالفو طالبانو ته یې درانه تلفات اړولي دي: د کرمې ایجنسۍ په یو برید کې د لسو په شاوخوا کې طالبان وژل شوي وو. او هم په تیره اونۍ کې دوه وو نورو بې پیلوټه امریکایي الوتکو په میرزا خیلو سیمه باندې د بریدونو په نتیجه کې دولس تنه وژلي وو، چې په تعقیب یې د سه شنبې په ورځ د شمالي وزیرستان د "دته خیلو" په سیمه کې چې د دغه قبایلي ایجنسۍ له مشهور ښارګوټي "میرانشاه" څخه د دریو کیلومترو په واټن لویدیځ لورې ته واقع د یوې امریکایي بې پیلوټه الوتکې یو برید ترسره کړ او د امریکایي رسنیو په وینا لس تنه دولت مخالف طالبان یې وژلي دي. که څه هم دغه ادعاء له آزادو رسنیو لخوا نده تائید شوې خو د ځینو پاکستاني ژورنالیستانو په وینا شمالي وزیرستان او برید په کې ترسره شوې سیمه هغه منطقې دي چې د پاکستاني دولت مخالفینو قوي مرکزونه ګڼل کیږي، چې له هغه ځایه خپل عملیات تنظیموي او دا مهال د پاکستاني دولت مخالفو طالب مشرانو لکه حافظ ګل بهادر او نورو ځواکمنو قوماندانانو مرکزونه همدلته دي.

د لاهور په ښار د طالبانو له وروستي برید وروسته په دوه اوو اونیو کې د امریکایي بې پیلوټه الوتکو پرله پسې بریدونه دا په ډاګه کوي چې د طالبانو وروستي برید پاکستاني دولت ته درانه تلفات اړولي دي او ښایي دغه حملې د طالبانو د هغه برید ځواب او عکس العمل وي چې له پنځوسو څخه زیات ځاني تلفات یې لرل او د ښار په مینځ کې ترسره شوی وو.

په پاکستان او هم په افغانستان کې د طالبانو ګوزارونه وروسته له هغې قوت مومي چې د هلمند په نادعلي او مارجه کې د طالبانو د ځپلو لپاره د ناټو او افغانستان د دولت لخوا درانه عملیات ترسره شوه چې ورسره سم له پولې هاغاړې پاکستان کې، او د پولې دې غاړې د قندهار په ولایت کې یو پر بل پسې داسې حملې او غلچکي بریدونه د طالبانو لخوا ترسره کیږي چې د دواړو هېوادونو دولتونو ته یې ګواښونه راولاړ کړیدي. په سیمه کې د دواړو هېوادونو ترمینځه د ګډې همکارۍ او په ځینو نورو موضوعاتو باندې د بحث لپاره د ایراني ولسمشر کابل ته له راتګ سملاسي وروسته کرزي پاکستان ته یو سفر هم لرلو څو د تیول شوو افغاني طالب مشرانو په سر او نورو موضوعاتو له زرداري او پاکستاني دولت سره له نږدې څخه وګوري او خبرې وکړي خو داسې ویل کیږي چې د کرزي دغه سفر کامیاب نه وو

دا په داسې حال کې ده چې اوس د سیمې دواړه هېوادونه دې حقیقت ته رسیدلي چې دواړه هېوادونه باید له یو بل سره همکاري او همغږي ولري او د خپلو ولسونو ارادو او ارزښتونو ته درنښت ولري

آیا فرستادهٔ جدید سازمان ملل می تواند ...

بدون شک کار خود را با موفقیت بشتری به انجام خواهد رساند، اما اگر او نخواهد و یا نتواند اشتباهات سلف خویش را اصلاح کند، این سازمان جهانی بیش از پیش بی اعتبار خواهد شد.

برگزاری انتخابات پارلمانی که تا دوماه دیگر برگزار می شود، مهمترین آزمون برای فرستادهٔ جدید سازمان ملل خواهد بود، آن طوری که انتظار برده می شود، این انتخابات نیز مانند انتخابات ریاست جمهوری با تقلب ها و قانون شکنی های دیگر همراه خواهد بود، موضعگیری بی طرفانهٔ سازمان ملل در این زمینه می تواند نخستین موفقیت آقای مسترا باشد.

هفته نامهٔ

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

- مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
- مطالب آمده مسترد نمی گردد.
- آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ پنجاه و یکم ۲۹ حوت- ۱۳۸۸ – ٤ربیع الثانی ۱٤۳۱ 20 March 2010

آیا فرستادهٔ جدید سازمان ملل می تواند اعتبار آسیب دیدهٔ این سازمان را اعاده نماید؟

آقای ستیفن دی مسترا که اخیراً کار خود را به عنوان نمایندهٔ جدید سرمنشی سازمان ملل متحد در کابل آغاز کرد یکی از دیپلومات سابقه دار سازمان ملل متحد بوده، بیش از سه دهه در کشورهای مختلف در دفاتر این سازمان فعالیت کرده است.

مسترا از نومبر ۲۰۰۷ تا جولای ۲۰۰۹ به حیث نمایندهٔ سازمان ملل در عراق کار نموده است، همچنان وی از جنوری ۲۰۰۵ تا اپریل ۲۰۰۶ ؛ به عنوان معاون نمایندهٔ فرستادهٔ سازمان ملل در آن کشور وظیفه اجرا نموده است، مسترا از سال ۲۰۰۱ الی ۲۰۰۴ به عنوان نمایندهٔ سرمنشی ملل در لبنان فعالیت نموده است.

بیشترین تجربهٔ مسترا کار در مناطق بحران زده جهان بوده در کشورهای مانند، عراق، لبنان، سومالیا، کوزوفو، ویتنام، سودان، روندا و یوگوسلاویای سابق خدمت کرده است.

مسترا با افغانستان نیز اشنایی داشته و از ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۱به عنوان هماهنگ کنندهٔ کمک های بین المللی در افغانستان وظیفه اجرا کرده است.

نمایندهٔ جدید سازمان ملل با توجه به تجربه های که از کشورهای در حال بحران دارد، شاید بتواند شیوهٔ موثری را برای موفقیت کار سازمان ملل در افغانستان به



کار ببندد.

سازمان ملل در افغانستان اکنون دارای صلاحیت ها و امکانات وسیعی است، در صورتی که فرستادهٔ جدید این سازمان مدیریت این امکانات را به خوبی انجام دهد و جایگاه سازمان ملل را به عنوان یک نهاد بی طرف بین المللی درنظر بگیرد، می تواند تاثیر مثبتی در کمک به مردم افغانستان، تقویت دموکراسی و حقوق بشر و اصلاح حکومت و ایجاد صلح در کشور داشته باشد.

نقش سازمان ملل در افغانستان همواره مورد انتقاد مردم قرار داشته، این سازمان تا اندازهٔ اعتبار و جایگاه خود را از دست داده است، نقش منفی نمایندهٔ سابق سازمان ملل آقای کای آیده در انتخابات ریاست جمهوری امسال لطمهٔ شدیدی به اعتبار سازمان مذکور در افغانستان و دموکراسی نوپای کشور وارد کرد.

ایده، به صورت آشکارا از سوی نامزدان مخالف حکومت در انتخابات ۲۹ اسد امسال مورد انتقاد قرار گرفت، او متهم شد که وظایف خویش را جهت برگزاری یک انتخابات شفاف و آزادانه انجام نداده، اخبار و گزارش های مربوط به تقلب گسترده در انتخابات را مخفی نموده است، همچنان وی متهم به جانب داری از فی کرزی بوده و گفته می شود در تقلب های انتخابات به نحوی با نامزد حکومت همکاری کرده است.

این انتقادها از جانب دفتر سازمان ملل و معاون نمایندگی این سازمان در کابل نیز مطرح گردید، گالبریت معاون کای آیده او را متهم به همدستی با حکومت در تقلب های انتخاباتی نموده و از پستش کنار رفت.

گفته می شود، کای آیده ناکام ترین فرستادهٔ سازمان ملل در افغانستان بوده است.

با توجه به سابقهٔ طولانی فرستادهٔ جدید سازمان ملل در انجام وظیفه در مناطق بحران زدهٔ جهان، پیش بینی شده است او تجربهٔ کافی برای اعادهٔ حیثیت و اعتبار این سازمان جهانی در اختیار دارد و در صورتی که با صداقت در چنین کاری تلاش نماید، **ادامه درص۷**

شورای امنیت با تمدید ماموریت «یونما» در افغانستان موافقت کرد



شورای امنیت سازمان ملل متحد از تمدید ماموریت «یونما» در افغانستان برای یک سال دیگر حمایت کرد.

گفته شده است، شورای امنیت در نظر دارد، تعدیلاتی در وظایف یونما به میان بیاورد.

در اجلاس هژدهم ماه مارچ شورای امنیت، آلین لی رای معاون سرمنشی ملل متحد برای عملیات حفظ صلح گفت:

«شورای امنیت نیز به اتفاق آرا از کار و هم از تمدید ماموریت یونما در افغانستان حمایت دارد.

آقای رای علاوه کرد: «موضع شورای امنیت اینست که مقامات افغان، در امور داخلی باید مسوولیت های بیشتر و بزرگتری را به عهده بگیرند، اما جامعه بین المللی باید یک نقش حمایوی بزرگتری رابازی کنند، خاصتا که افغانستان در جهت صلح وانکشلاف تلاش دارد.»

سوزان رایس سفیر ایالات متحدهٔ امریکا در ملل متحد گفت، ایالات متحده امریکا به کار خود جهت بهبود بخشیدن هماهنگی با ملل متحد وسایر مراجع کمک دهنده ادامه خواهد داد.

بان کی مون سرمنشی ملل متحد درآخرین راپور سه ماهه خود راجع به اوضاع در افغانستان گفته است، جامعه بین المللی با در نظر داشت درک واقعیت های افغانستان، باید از روند سیاسی افغان ها را حمایت کنند.

افغانستان بد ترین جای برای اطفال در جهان است

رئیس ساحوی یونیسف یا صندوق وجهی سازمان ملل برای اطفال گفته است، افغانستان بد ترین جای برای اطفال در جهان است. به گفتهٔ وی، کودکان در افغانستان به کمبود خوراک و سوء استفادهٔ جنسی روبرو بوده و تعداد مرگ و میر اطفال در افغانستان بیش از کشورهای دیگر است.

دنیل تول، که از افغانستان بازدید نموده و گفته است: وضعیت کودکان به صورت کل رقت بار است.

به اساس معلومات یونیسف، یک چهارم اطفال یعنی از هر ۱۰۰۰ طفل، ۲۵۷ آنها قبل از رسیدن به سن ۵ ساله گی می میرند، و ۱۶۵ آنها قبل از تکمیل سن یک ساله گی وفات می کنند که بیش ترین رقم مرگ و میر اطفال در جهان است.

همچنان افغانستان بعد از سیرلیون دومین کشور جهان است که تعداد وفیات مادران در آن زیاد است، یعنی از یک صد هزار مادر، ۱۸۰۰ آنها در جریان ولادت جان های شان را از دست می دهند.

اعلامیهٔ جمعیت اسلامی افغانستان ...

اسرائیلیان پیش از این نیز جهت تحقق بخشیدن به این هدف شوم دست به یک سلسله حفریات در حول و حوش و ساحت مسجد الاقصی زده اند.

این کار اسرائیل اقدامی است در جهت یهودی سازی بیت المقدس که آن تجاوزی آشکار به یکی از اساسی ترین بنیادهای اعتقادی همهٔ مسلمانان سراسر جهان تلقی می گردد. زیرا مسجدالاقصی قبلهٔ نخستین مسلمانان و سومین حرم آنان پس از حرم مکی و حرم مدنی است و این کار برپایهٔ همهٔ موازین و ارزش های انسانی در تمامی ادیان و فرهنگ ها نکوهیده است.

بی تردید این اقدامات اسرائیل به موج های تازهٔ تشنج در منطقه دامن خواهد زد و صلح و امنیت جهانی را بیش از پیش تهدید خواهد کرد، چون مسلمانان نمی توانند در برابر این مظالم اسرائیلیان بی تفاوت بمانند.

ما در حینی که این عمل زشت اسرائیلیان را شدیداً نکوهش می کنیم از کنفرانس کشورهای اسلامی و سازمان جامعهٔ عرب و سازمان ملل متحد و همهٔ ملت های آزادهٔ جهان می خواهیم که اسرائیل را وادار سازند تا دست از ادامهٔ این جنایاتش بردارد.

اسرائیل باید بداند که خشم مسلمانان را با این کار بیشتر بر خواهد انگیخت و مسلمانان مردم فلسطین را در این مبارزه تنها نخواهند گذاشت؛ چون مردم مسلمان فلسطین در دفاع از مقدسات همهٔ مسلمانان جهان در برابر این جنایات رژیم اسرائیل ایستاده اند.

ما باور داریم که اسرائیل با ایجاد رعب و وحشت و کشتار هرگز نمی تواند مردم مسلمان فلسطین را از داعیهٔ برحق شان منصرف کند. تنها با تشکیل دولت مستقل فلسطینی و برون رفتن از سرزمین های اشغالی است که می توان آرامش را به منطقه بازگردانید و آن روز فراخواهد رسید که مردم مظلوم فلسطین به حقوق خویش دست یابند. و ماذلک علی الله بعزیز

جمعیت اسلامی افغانستان
دفتر مرکزی – کابل
۲۸حوت ۱۳۸۸